

تأثیر اجتناب مالیاتی بر توزیع دستمزد کارکنان

الهام منصوری نیا^{۱*}

افسانه شیرخانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

چکیده

اجتناب از مالیات می تواند با کاهش بار مالیاتی شرکت ها با استفاده قانونی از قوانین مالیاتی تا نقض قوانین مالیاتی متغیر باشد. کاهش مالیات شرکتها از طریق اجتناب مالیاتی وجوه نقد مازاد را برای شرکت ایجاد می نماید که میتواند بر حقوق و دستمزد و رفاه کارکنان شرکت تاثیر گذار باشد. هدف این تحقیق بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر توزیع دستمزد کارکنان می باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش علمی همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۵ ساله ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ بوده است که از طریق نمونه گیری حذف سیستماتیک در مجموع ۹۶ شرکت مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته های تحقیق نشان می دهد اجتناب مالیاتی بر سطح کل حقوق و دستمزد تاثیر مثبت و معنی داری دارد؛ اما بر دستمزد معوق و شکاف دستمزد مدیران اجرایی و کارکنان عادی تاثیر معنی داری ندارد؛ بنابراین وجوه ناشی از اجتناب مالیاتی شرکت موجب افزایش کل دستمزد کارکنان می شود و مدیران اجرایی این وجوه را صرف منافع شخصی و افزایش دریافتی های خویش نمی نمایند.

واژگان کلیدی

اجتناب مالیاتی، توزیع دستمزد، شکاف دستمزد

۱. استادیار گروه حسابداری، موسسه غیرانتفاعی فروردین قائم شهر، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول: mansourinia.elham@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، موسسه غیرانتفاعی فروردین قائم شهر، مازندران، ایران.

۱. مقدمه

کار یک امر اجباری است که باید برای رفع نیازهای انسان انجام شود. مردم برای گذران زندگی کار می کنند. یکی از نیازهای زندگی با درآمد یعنی دستمزد یا حقوق میسر می شود. برای دریافت دستمزد یا حقوق باید به صورت حرفه ای کار کرد که عواقب آن کسب درآمد بیشتر است. حقوق بر اساس پاداشی است که به شکل پول توسط کارکنان دریافت می شود و در نتیجه موقعیت آنها به عنوان کارمندانی است که مشارکت و افکار را در دستیابی به اهداف شرکت ارائه می دهند. حقوق معمولاً به صورت ماهانه به کارکنان یک شرکت پرداخت می شود. انتظار می رود حقوق کافی انگیزه کارکنان را افزایش دهد. انگیزه کاری کارکنان امری حیاتی است که نباید نادیده گرفته شود؛ زیرا زمانی که کارکنان انگیزه کار بهینه را نداشته باشند، دیر یا زود بر توسعه شرکت تأثیر می گذارد. جدا از یک سیستم کاری خوب، فضای کاری راحت، حقوق مناسب، پاداش نیز می توان برای ایجاد انگیزه در کارکنان اعطا کرد. انگیزه کاری از نظر نیروی محرکه ای است که باعث می شود یک کارمند مایل باشد که توانایی و مهارت های خود و زمان خویش را برای انجام فعالیت های مختلف که به عهده اوست بسیج کند. در زمینه کار، انگیزه عامل مهمی در تشویق کارمند به کار است. اگر فردی با انگیزه باشد، تمام تلاش خود را برای رسیدن به اهداف می کند (دارماوان^۱، ۲۰۲۰).

مطالعات قبلی نشان داده اند که اجتناب مالیاتی شرکت به عنوان یک مؤلفه مهم استراتژی مالی، همه جا حاضر است و می تواند تأثیر قابل توجهی بر ارزش شرکت، شفافیت اطلاعات، هزینه تامین مالی، ساختار سرمایه، شهرت شرکت و کارایی سرمایه گذاری بگذارد (بالاکریشنان و همکاران، ۲۰۱۹). با این حال، مطالعات کمی پیامدهای اجتناب مالیاتی شرکت ها از دیدگاه توزیع حقوق را مورد بررسی قرار داده اند. در واقع اجتناب مالیاتی موثر می تواند مالیات نسبی را کاهش دهد و جریان های نقدی بالاتری ایجاد کند (چیز، ۲۰۱۸)؛ اما مسئله این است که افزایش جریان های نقدی برای چه مقصدی استفاده خواهد شد برای کارمندان در قالب حقوق بالاتر؟ اگر چنین شود، پس افزایش حقوق به طور مساوی بین مدیران اجرایی و عادی تخصیص می یابد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱). به طور کلی عملکرد کارکنان با بهبود عملکرد شرکت افزایش می یابد؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی ممکن است با تعدیل عملکرد شرکت، تأثیر مثبتی بر حقوق کارکنان داشته باشد با این حال، از سوی دیگر، نظریه اجتناب مالیاتی طبق تئوری نمایندگی معتقد است که اجتناب مالیاتی می تواند مشکلات نمایندگی ناشی از تفکیک مالکیت و کنترل را در شرکت های مدرن ایجاد کند و فرصت های مدیریتی برای شرکت در معاملات اطلاعات نامتقارن و منحرف کردن منابع شرکتی به نفع خود ایجاد نماید (وانگ و همکاران^۲، ۲۰۲۱). در همین حال، مشارکت در اجتناب از مالیات زمان و انرژی زیادی از مدیریت را خواهد گرفت (وانگ و خو^۳، ۲۰۱۶) و ممکن است ریسک شهرت آنها را افزایش می دهد (گراهام، گالمور و همکاران^۴، ۲۰۱۴ هانلون و همکاران^۵، ۲۰۱۴)، در نتیجه

¹ Darmawan

² Wang & et al

³ Wang, M., & Xu

⁴ Graham & et al

⁵ Hanlon & et al

مدیریت از افزایش اجتناب مالیاتی شرکت ها، مزایای خصوصی بیشتری را طلب کنید (ریگو و ویلسون^۱، ۲۰۱۲). در این شرایط، مزایایی که توسط اجتناب مالیاتی شرکت ها حاصل شده است در نهایت به صورت توزیع نابرابر پاداش کارکنان ظاهر می شود و باعث افزایش حقوق مدیریت شده و شکاف دستمزد بین مدیران اجرایی و کارکنان عادی داخلی را گسترش می دهد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

اجتناب مالیاتی ممکن است سطح دستمزد همه کارکنان را بهبود بخشد، اما تخصیص حقوق افزایشی ممکن است بین دو نوع کارمند (یعنی مدیران اجرایی و کارکنان عادی) نابرابر باشد. هنگامی که اجتناب مالیاتی شرکت به عنوان یک عامل اصلی تحلیل می شود در این چارچوب، می توان نتیجه گرفت که اجتناب مالیاتی می تواند پیچیدگی مالی شرکت را افزایش دهد و شفافیت اطلاعات را به دلیل ویژگی های خاص آن کاهش دهد (بالاکریشنان و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ رضایی و دربهبانی^۳، ۲۰۱۴). از یک طرف، عدم تقارن اطلاعاتی بالا خواهد بود و خطرات قانونی را افزایش می دهد (گو و همکاران^۴، ۲۰۱۳) و مدیریت مطالبه پرداخت های شخصی قابل توجه تری را تحت شرایط عدم قطعیت خواهد داشت (فداسایو و همکاران^۵، ۲۰۱۸؛ رگو و ویلسون، ۲۰۱۲)؛ از سوی دیگر، عدم تقارن اطلاعات برای مدیران شرایط دستکاری حقوق و استخراج منابع شرکت ها برای منافع شخصی را فراهم می نماید (دسای و همکاران^۶، ۲۰۰۷). لیائو و لیو^۷ (۲۰۱۶) شواهدی پیدا کردند که نشان می دهد فعالیت های حفاظت از مالیات شرکت ها می تواند منجر به افزایش فعالیت های انحرافی مدیریت، در قالب مصرف سود مدیریت و افزایش پیچیدگی و ابهام عملیات شرکت شود. فعالیت های اجتناب مالیاتی ممکن است برای افزایش پاداش مدیران مساعدتر باشد. علاوه بر این، بر اساس فرضیه منافع شخصی در اقتصاد، مدیرانی که منابع داخلی قابل توجهی برای تخصیص حقوق دارند معمولاً ترجیح می دهند هنگام تصمیم گیری در مورد توزیع حقوق طرحی را انتخاب کنند که برای خودشان سودمند باشد. در مقابل، کارمندان عادی در مذاکرات مربوط به حقوق و دستمزد اختیاری ندارند و فقط می تواند منفعلانه طرح های جبران خسارت پیشنهادی توسط مدیریت را مشاهده نمایند. این نابرابری حقوق و جایگاه بین مدیران اجرایی و کارمندان عادی تأثیر زیادی را در سیستم پاداش ایجاد می کند؛ بنابراین، مدیران می توانند افزایش حقوق بیشتری نسبت به کارکنان معمولی دریافت کنند و در نتیجه شکاف پرداختی مدیران نسبت به کارمندان عادی قابل توجه تر خواهد بود (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به مطالب ارائه شده در این تحقیق تأثیر اجتناب مالیاتی بر سطح دستمزد کارکنان و شکاف بین دستمزد کارکنان عادی و مدیران اجرایی مورد بررسی قرار می گیرد.

¹ Rego & et al

² Balakrishnan & et al

³ Rezaei, F., & Dorbehani,

⁴ Goh & et al

⁵ Fedaseyeu & et al

⁶ Desai & et al

⁷ Liao & Liu

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. حقوق و دستمزد

یکی از اهداف یک فرد به عنوان کارمند یک شرکت، کسب درآمد در قالب دستمزد یا غرامت است. دریافت دستمزد برای رفع نیازهای اولیه مانند خوراک، پوشاک و مسکن. هر شرکتی در تعیین میزان دستمزد پرداختی به کارمند باید قابل اجرا باشد، به گونه ای که کمترین دستمزدی را که برای رفع نیازهای زندگی آنها تعلق گیرد. برخی از اقتصاددانان در مورد معنای دستمزد اتفاق نظر دارند. بر اساس دیدگاه میزسیون^۱، افزایش فرصت‌های شغلی تنها در صورتی اتفاق می افتد که کارگران دستمزد اسمی کمتری دریافت کنند. مدل قرارداد ضمنی نشان داد که دستمزد کارگران در یک شرکت توسط قرارداد بین کارفرما و اتحادیه تعیین می شود. این بدان معناست که در حضور اتحادیه های قوی، نرخ دستمزد را نمی توان به راحتی مانند یک بازار کاملاً رقابتی تغییر داد. در صورت وقوع رکود، کاهش دستمزدها به ویژه به شدت دشوار خواهد بود. طبق این نظریه، شرکت تمایل دارد دستمزدها را بالاتر از دستمزدهای تعادلی بازار کاملاً رقابتی تعیین کند. مدل‌های ورودی و خروجی در نظر می‌گیرند که بازارهای کالا و بازار کار ناقص هستند. اگر بازار کار اتحادیه و تعداد نسبتاً محدودی از بنگاه‌ها وجود داشته باشد، نرخ دستمزد از طریق قراردادهای جمعی بین اتحادیه‌ها و کارفرمایان تعیین می‌شود. اعضای اتحادیه را خودی می‌نامند و کسانی که در اتحادیه نیستند خارجی نامیده می‌شوند. تعیین دستمزد در قرارداد احتمالاً بالاتر از آنچه در یک بازار کاملاً رقابتی بود، خواهد بود. انعطاف پذیری دستمزد موضوع اصلی اقتصاد است که بیشتر در ادبیات مربوط به ارائه مشوق‌های ارائه شده توسط شرکت یافت می‌شود. تعدادی از مدل‌های نظری توضیحی در مورد اینکه چگونه شرکت باید طرح‌های جبرانی را طراحی کند تا کارکنان را تشویق کند تا به نفع شرکت کار کنند، توضیح داده‌اند. نتیجه تلاش در کار آنها برای به حداکثر رساندن سود شرکت است. اگر دستمزد به طور قابل توجهی با عملکرد مرتبط باشد، به یک جنبه مهم از مؤثر بودن تبدیل می‌شود (عمر^۲، ۲۰۱۲). اعطای حق الزحمه پیچیده ترین کار برای صنعت و همچنین مهمترین جنبه برای کارگران است، زیرا میزان دستمزد نشان دهنده اندازه ارزش کار آنها در بین خود کارگران، خانواده‌ها و جوامع آنهاست. دستمزدها برای صنعت بسیار مهم است زیرا نشان دهنده تلاش صنعت برای دفاع از منابع انسانی به منظور داشتن وفاداری و تعهد بالا به صنعت است. انتظار می‌رود استراتژی دستمزد مؤثر به حفظ پایداری نیروی کار، تحقق چشم‌انداز و مأموریت و همچنین برای دستیابی به اهداف کاری کمک کند (گونوان و آمالیا^۳، ۲۰۱۵).

مفهوم بهره‌وری کار به دو بخش تقسیم می‌شود: بهره‌وری فردی و بهره‌وری سازمانی. بعد فردی مرتبط با ویژگی‌های ویژگی‌های شخصی فرد در قالب نگرش ذهنی و تلاش‌های فردی برای بهبود کیفیت زندگی ظاهر می‌شود. ابعاد سازمانی به بهره‌وری در چارچوب رابطه بین تکنیک‌های ورودی و خروجی نگاه می‌کنند. دستمزد زیادی دارد، اگر بر

¹ misesian

² Umar

³ Gunawan and Amalia

عملکرد واقعی مؤثر باشد. انتظار می رود که یک استراتژی دستمزد مؤثر در دوام واحد کار، تحقق چشم انداز و مأموریت و همچنین برای دستیابی به اهداف کار کمک کند (عمر، ۲۰۱۲). اندازه گیری بهره وری کارکنان با استفاده از ارزش افزوده خالص نشان می دهد که دستمزد و عملکرد کارکنان دارای همبستگی مثبت است، اما نرخ رشد ارزش افزوده خالص به ازای هر کارگر سریعتر از نرخ رشد دستمزد به ازای هر کارگر است. به این معنی که عواملی غیر از دستمزد در بهبود عملکرد کارکنان وجود دارد که عوامل غیر پولی است (گونوان و آمالا، ۲۰۱۵).

۲-۲. اجتناب مالیاتی

اجتناب از مالیات از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا توانایی دولت را برای جمع آوری پول و اجرای سیاست ها محدود می کند و مالیات دهندگان راه هایی برای کاهش پایه مالیاتی خود پیدا می کنند. به همین دلیل است که بررسی عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی در دو دهه گذشته یکی از دغدغه های مهم در حوزه حسابداری بوده است (هالیوی و همکاران^۱، ۲۰۱۶). دولت ها به دلیل نیازشان به درآمدهای مالیاتی سیاست های مالی را برای رعایت کامل و دقیق قوانین و مبارزه با فرار مالیاتی انجام می دهند (مارتینز^۲، ۲۰۱۷). در همان زمان، شرکت ها بدهی های مالیاتی را از طریق فعالیت های تهاجمی مالیاتی به حداقل می رسانند (لانیس و ریچاردسون^۳، ۲۰۱۲؛ مارتینز، ۲۰۱۷). هانلون و هیتزمن^۴ (۲۰۱۰) اجتناب مالیاتی را بسیار گسترده تعریف می کنند. اگر اجتناب مالیاتی نشان دهنده تداوم استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی باشد، استراتژی های کاهش مالیات کاملاً قانونی داریم، در حالی که عباراتی مانند «عدم انطباق»، «فرار» و «سرپناه» نزدیک به انتهای دیگر زنجیره (فعالیت های غیرقانونی) هستند. فرار مالیاتی به عنوان کاهش مالیات خارج از مرزهای قانون مالیاتی تعریف می شود، در حالی که اجتناب مالیاتی، کاهش مالیاتی در محدوده قانون مالیاتی است. به طور دقیق تر، فرار مالیاتی عبارت است از تلاش عمدی برای شکست یا دور زدن قانون مالیات به منظور کاهش غیرقانونی بدهی مالیاتی و تخلف مالی محسوب می شود و مجازات کیفری دارد (کنستانتین^۵، ۲۰۱۴). از سوی دیگر، طبق تعریف، اجتناب از مالیات به معنی اجتناب قانونی از اظهار و پرداخت مالیات به بودجه دولت است. اجتناب مالیاتی عبارت است از فرار مالیاتی از طریق ابزارهای قانونی با استفاده از خلأهای قانونی به نفع مالیات دهندگان، بنابراین فقط زمانی امکان پذیر است که خلأ قانونی وجود داشته باشد (موکانو و همکاران^۶، ۲۰۲۱).

۲-۳. اجتناب مالیاتی و دستمزد کارکنان

حجم وسیعی از ادبیات پیشین تأثیر مثبت پس انداز مالیاتی شرکت را تأیید کرده است. برای مثال بلوین^۷ (۲۰۱۴) معتقد است که اجتناب مالیات می تواند منجر به جریان های نقدی بیشتر و سود خالص پس از کسر مالیات شود که برای

¹ Halioui et al

² Martinez

³ Lanis & Richardson

⁴ Hanlon and Heitzman

⁵ Constantin

⁶ Mocanu et al

⁷ Blouin

سهامداران مفید است. گراهام و همکاران^۱ (۲۰۱۴) نشان می دهد که در شرکت های دولتی استراتژی های برنامه ریزی مالیات به افزایش سود هر سهم (EPS) کمک می کند. بلیلاک^۲ (۲۰۱۶) نشان می دهد حتی در شرکت هایی با حکمرانی نسبتاً ضعیف، اجتناب مالیاتی وجود دارد که هنوز به طور قابل توجهی با عملکرد عملیاتی آینده مرتبط است و شواهد ثابتی وجود ندارد که نشان دهد اجتناب مالیات با سرمایه گذاری بیش از حد یا سرمایه گذاری کمتر از حد مطلوب همراه است. خان و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در تحقیق خود نشان دادند که اجتناب مالیات شرکت، مالکیت نهادی، می تواند به شرکت ها کمک کند تا حاشیه سود بیشتری کسب کنند و احتمال دستیابی یا عدم دستیابی به پیش بینی های تحلیلگران بیشتر است. زمانی که مدیریت ارشد شرکت مورد علاقه سهامداران قرار می گیرد، با اجتناب مالیاتی به طور موثر درآمد یا جریان نقدی بالاتری را پس از مالیات به دست آورد با این حال، زمانی که بدهیهای مالیاتی شرکت نسبتاً از شرکت های همان صنعت بالاتر باشد دستیابی به اهداف درآمد پس از مالیات چالش برانگیز خواهد بود و احتمال اینکه مدیر عامل که به دلیل عدم اجتناب مالیاتی کافی تویخ شود بالاتر خواهد بود (چیز و گیرتر^۴، ۲۰۱۸). بنابراین می توان نتیجه گرفت که مدیران انگیزه و فشار لازم برای پرداختن به فعالیتهای اجتناب از مالیات را دارند. مطالعات نشان داده اند که اجتناب از مالیات شرکت ها می تواند پرداخت مالیات نقدی را کاهش دهد و موجب انتقال منابع از دولت به شرکت ها و در نتیجه افزایش جریان نقدی و ارزش شرکت پس از مالیات گردد. از دیدگاه، اجتناب از مالیات شرکت ها را می توان به عنوان وسیله ای برای ایجاد ارزش شرکت در نظر گرفت. طبق نظریه تعادل در اقتصاد کار مدیران اجرایی و کارکنان عادی به عنوان شرکت کنندگان در این ارزش آفرینی شرکت ها باید دو نوع انگیزه ارائه دهند. منابع انسانی (یعنی مدیران اجرایی و کارکنان عادی)، همه ارزش آفرینان مهمی هستند. از لحاظ نظری، انگیزه مدیران یا کارکنان برای سود حاشیه ای بیشتر از هزینه نهایی است، مشوق ها تا زمان رسیدن به تعادل تقویت خواهند شد (یعنی هزینه نهایی برابر با سود نهایی)؛ بنابراین، مشوق ها هم برای مدیران اجرایی و هم برای کارکنان عادی موثر هستند و اثر تشویقی نباید متفاوت باشد. مطابق با تئوری اقتصادی دریافتهای هر دو نوع مدیران اجرایی و کارکنان عادی نسبت به عملکرد شرکت حساس هستند (چن و همکاران، ۲۰۱۵). بدین ترتیب زمانی که همه کارمندان، از جمله مدیران اجرایی، با هم کار می کنند تا فرصت هایی برای اجرای استراتژی های اجتناب مالیات برای بهبود عملکرد شرکت ها را دنبال کنند، هم مدیران اجرایی و هم کارکنان عادی باید در رشد سود و دریافتهای بیشتر شریک باشند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

۲-۴. پیشینه تحقیق

بخردی نسب (۱۳۹۹)، تاثیر اجتناب مالیاتی بر سرمایه گذاری کار با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر توانایی مدیریت و راهبری شرکتی را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که توانایی مدیریت با اجتناب مالیاتی، قدرت اثرگذاری بر کارایی

¹ Graham & et al

² Blaylock

³ Khan & et al

⁴ Chyz & Gaertner

سرمایه گذاری را ندارند و در شرکت‌هایی که توانایی‌های مدیران پایین تر است، با افزایش اجتناب مالیاتی افزایش کارایی سرمایه گذاری کاهش نمی‌یابد. ولی در شرکت‌هایی با مدیران تواناتر، با افزایش اجتناب مالیاتی، کارایی سرمایه گذاری افزایش می‌یابد. نتایج دیگر نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که راهبری شرکتی ضعیفی دارند، با افزایش اجتناب مالیاتی، کارایی سرمایه گذاری نیز کاهش یافته و در شرکت‌هایی با راهبری شرکتی قوی، با افزایش اجتناب مالیاتی، کارایی سرمایه گذاری افزایش نمی‌یابد.

متین فرد و چهار محالی (۱۳۹۹)، به بررسی تاثیر عدم اطمینان اقتصادی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. در این تحقیق برای از شاخص نرخ مؤثر مالیاتی برای محاسبه اجتناب مالیاتی استفاده نمود. نتایج تحقیق نشان داد، عدم اطمینان اقتصادی بر مبنای تورم، شاخص بازده بازار سهام و نرخ تولید ناخالص داخلی، بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، نقش توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. اجتناب مالیاتی با استفاده از شاخص‌های، نرخ مؤثر مالیاتی دفتری و نقدی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت محاسبه گردید. نتایج نشان داد بین توانایی مدیریتی و هر سه معیار اجتناب مالیاتی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد شرکت‌های با عملکرد بالا، مدیران با تواناتر کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند.

وانگ و همکاران (۲۰۲۱)، به بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی بر سطح دستمزد در شرکت‌های چینی پرداختند. در این تحقیق تاثیر اجتناب مالیاتی بر سطح دستمزد کل کارکنان و شکاف بین دستمزد کارکنان عادی و مدیران اجرایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که اجتناب از مالیات شرکتی می‌تواند به طور قابل توجهی میانگین سطح دستمزد همه کارکنان را بهبود بخشد، اما در مورد حقوق کارکنان به طور مساوی توزیع نشده است و بیشتر از افزایش حقوق به مدیریت ارشد تخصیص داده می‌شود و شکاف دستمزد مدیران و کارکنان عادی را بیشتر می‌کند.

دیرنگ و همکاران (۲۰۲۰)، رابطه بین وقوع مالیات و اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که که رابطه بین وقوع مالیات شرکتی و اجتناب از مالیات شرکتی به کشش عرضه نیروی کار، بهره‌وری سرمایه نسبت به نیروی کار و کسر مالیات نیروی کار و سرمایه بستگی دارد. این نیروها اثرات رقابتی دارند و ارتباط بین اجتناب مالیاتی و بروز را به یک سوال تجربی تبدیل می‌کنند. از نظر تجربی نتایج اشاره دارد که شرکت‌هایی که سهامداران آنها بار اقتصادی مالیات شرکت‌ها را کمتر متحمل می‌شوند، اجتناب کمتری دارند یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که اگر سهامداران به طور کامل بار مالیاتی شرکت را تحمل نکنند، ممکن است به حداکثر رساندن سود پس از مالیات، اجتناب مالیاتی کمتری را به دنبال داشته باشد.

فیوست و همکاران (۲۰۱۸)، رابطه بین مالیات شرکت و سطح حقوق را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که کارگران تقریباً نیمی از کل بار مالیات را متحمل می‌شوند. یافته‌های تحقیق اهمیت نهادهای بازار کار و فرصت‌های تغییر سود را برای بروز مالیات شرکت‌ها بر دستمزد نشان می‌دهد. علاوه بر این نتایج نشان داد که کارمندان کم مهارت، جوان و زن سهم بیشتری از بار مالیاتی را متحمل می‌شوند.

۳. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی شرکت بر سطح دستمزد کارکنان تاثیر معنی داری دارد.
فرضیه دوم: اجتناب مالیاتی شرکت بر شکاف دستمزد بین مدیران اجرایی و کارکنان عادی تاثیر معنی داری دارد.
برای بررسی فرضیه اول تحقیق مطابق با تحقیق (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱) از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

مدل ۱

$$\begin{aligned} PayLevel_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 TA_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 ROE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 Growth_{i,t} \\ & + \beta_6 Capital_{i,t} + \beta_7 Liquid_{i,t} + \beta_8 \ln Age_{i,t} + \beta_9 Indir_{i,t} + \beta_{10} MO_{i,t} \\ & + \beta_{11} Big_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

که در این مدل:

Pay level: سطح پرداخت دستمزد

TA: اجتناب مالیاتی شرکت.

SIZE: اندازه شرکت

ROE: نرخ بازده حقوق صاحبان سهام.

LEV: اهرم مالی شرکت

Growth: رشد شرکت.

Capital: مخارج سرمایه ای شرکت

Liquid: نقدینگی شرکت

Ln Age: سن شرکت

Indir: استقلال هیئت مدیره

MO: مالکیت مدیریتی

Big: اندازه موسسه حسابرسی

برای بررسی فرضیه دوم تحقیق مطابق با تحقیق (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱) از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

مدل ۲

$$GAP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TA_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 ROE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 Growth_{i,t} + \beta_6 Capital_{i,t} + \beta_7 Liquid_{i,t} + \beta_8 \ln Age_{i,t} + \beta_9 Indir_{i,t} + \beta_{10} MO_{i,t} + \beta_{11} Big_{i,t} + \beta_{12} Dual_{i,t} + \beta_{13} Ownership_{i,t} + \beta_{14} Board_{i,t} + \beta_{15} Down_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در این مدل:

GAP: شکاف حقوق و دستمزد

Dual: دوگانگی نقش مدیرعامل

Ownership: تمرکز مالکیت

Board: اندازه هیئت مدیره

Down: تغییر در سود

۱-۳. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

الف-متغیر وابسته:

سطح حقوق و دستمزد کارکنان (Pay Level)

برای محاسبه متغیر سطح حقوق کارکنان از دو معیار به شرح زیر استفاده می‌شود:

حقوق نقدی (Cash Pay):

معیار اول مطابق با تحقیق هان و همکاران (۲۰۱۶) شامل حقوق نقدی یا حقوق پرداختی به کارکنان می‌باشد که برابر با این متغیر از لگاریتم مجموع حقوق و دستمزد پرداختی به کارکنان، مدیران و سایر کارکنان تقسیم بر تعداد کارکنان شرکت t در دوره t است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

حقوق معوق (Accrued Pay):

معیار دوم مطابق با تحقیق لیو و کانگ (۲۰۱۸) شامل حقوق پرداختی به کارکنان می‌باشد که برابر با لگاریتم طبیعی از آخرین مانده حقوق پرداختی مستخرج از ترازنامه شرکت تقسیم بر تعداد کارکنان شرکت t در دوره t است (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

شکاف حقوق و دستمزد کارکنان (GAP)

این متغیر از لگاریتم تفاوت حقوق و دستمزد پرداختی به کارکنان عادی و حقوق دستمزد پرداختی به مدیران اجرایی تقسیم بر تعداد کارکنان شرکت t در دوره t محاسبه می‌گردد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

ب-متغیر مستقل تحقیق:

اجتناب مالیاتی

اجتناب مالیاتی برابر با کل هزینه مالیات بر درآمد منهای مالیات بر درآمد پرداختی تقسیم بر سود قبل از کسر مالیات می‌باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱).

ج- متغیرهای کنترلی:

- SIZE:** اندازه شرکت. برابر است با لگاریتم طبیعی کل داراییها در پایان دوره مالی.
- ROE:** نرخ بازده حقوق صاحبان سهام. برابر است با سود قبل از کسر مالیات تقسیم بر حقوق صاحبان سهام در پایان دوره مالی.
- LEV:** اهرم مالی شرکت. برابر است با کل بدهی تقسیم بر کل داراییهای شرکت در پایان دوره مالی.
- Growth:** رشد شرکت. برابر است با فروش شرکت در دوره t منهای فروش شرکت در دوره $t-1$ تقسیم بر فروش شرکت در دوره $t-1$.
- Capital:** مخارج سرمایه ای شرکت. برابر است با لگاریتم طبیعی داراییهای ثابت شرکت.
- Liquid:** نقدینگی شرکت برابر است با داراییهای جاری منهای بدهیهای جاری تقسیم بر کل داراییهای شرکت در پایان دوره مالی.
- Ln Age:** سن شرکت. برابر است با لگاریتم طبیعی از تعداد سالهای پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران.
- Indir:** استقلال هیئت مدیره. برابر است با تعداد مدیران غیر موظف هیئت مدیره تقسیم بر کل اعضای هیئت مدیره.
- MO:** مالکیت مدیریتی. برابر است با درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره در سهام شرکت.
- Big:** اندازه موسسه حسابرسی. در صورتیکه شرکت توسط سازمان حسابرسی حسابرسی شود مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر میباشد.
- Dual:** دوگانگی نقش مدیرعامل. اگر مدیرعامل به طور همزمان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره باشد مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.
- Ownership:** پراکندگی مالکیت. طبق سماحه (۲۰۱۵) در این تحقیق از نسبت سهام شناور آزاد به عنوان شاخصی برای پراکندگی مالکیت استفاده شده است.
- Board:** اندازه هیئت مدیره. برابر است با لگاریتم طبیعی از تعداد اعضای هیئت مدیره.
- Down:** تغییر در سود. اگر سود قبل از کسر مالیات شرکت در دوره t نسبت به دوره $t-1$ کاهش داشته باشد مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

۲-۳. روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر، از نظر نوع، همبستگی می باشد، یعنی وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از طریق رگرسیون و روش شناسی پژوهش از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می باشد. در این تحقیق از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون به منظور تجزیه تحلیل داده ها استفاده می شود. جهت برآورد مدل رگرسیونی، از نرم افزار Eviews استفاده شد.

۴. جامعه، نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ است. شرکت‌های نمونه با توجه به ویژگی زیر انتخاب می‌شوند. جامعه آماری این تحقیق با استفاده از روش حذفی سیستماتیک و با توجه به محدودیتهای زیر انتخاب می‌شوند.

(۱) پایان دوره مالی شرکت ۲۹ اسفندماه هر سال باشد.

(۲) شرکتهایی که اطلاعات آنها در دسترس و وقفه معاملاتی نداشته باشند.

(۳) بانک‌ها، شرکت‌های واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت بیمه حذف می‌گردند.

با توجه به محدودیتهای فوق نمونه نهایی تحقیق شامل ۹۶ شرکت و ۴۸۰ مشاهده (۹*۵) می‌باشد.

۵. یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

۵-۱. آمار توصیفی متغیرهای مدل تحقیق

قبل از آزمون فرضیه‌ها در هر پژوهشی لازم است آماره‌های توصیفی متغیرهای بکاررفته، محاسبه و تفسیر شوند. آماره‌های توصیفی اعدادی هستند که به منظور بیان کمی توزیع اندازه‌ها در کل نمونه‌ی قابل مشاهده بکار می‌روند. نتایج در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
TA	-۰/۱۲۷	۰	۴/۷	-۲۲/۲	۱/۵	-۱۳/۲	۱۹۴/۹
CASHPAY	۱۲/۲۷	۱۲/۱۲	۱۶/۶	۹/۸	۱/۱۹	۰/۹	۴/۴۱
ACCRUEDPAY	۵۱۰/۲	۴۵/۱۲۸	۲۳۷/۲	۱۰/۶	۳۰/۷	۱/۷۶	۷/۳۷
GAP	۵۱۰/۲۵	۳۴۳/۵	۲۳۷/۲/۶	۷۰/۶	۳۰۶/۳	۱/۷۷	۷/۵
SIZE	۱۴/۶	۱۴/۴	۲۰/۱۸	۱۱/۱۹	۱/۵	۱/۰۴	۴/۷
ROE	۰/۲۷	۰/۲۴	۱۰/۰۴	-۷/۶	۰/۶۵	۳/۳۶	۱۵۲/۸
LEV	۰/۵۸	۰/۵۷	۱/۲۶	۰/۰۸	۰/۱۸	۰/۲۰	۳/۲۳
GROWTH	۰/۹۲	۰/۷۴	۵/۷۷	۰/۱۱	۰/۶	۲/۹۸	۱۸/۴
CAPITAL	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۸۴	۰/۰۱۲	۰/۱۷۵	۰/۸۷	۳/۳
LIQUID	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۷	-۰/۵۶	۰/۲۱	-۰/۳۹	۳/۱
AGE	۲/۸	۲/۸	۳/۹	۱/۷۹	۰/۳۵	۰/۱۸	۳/۴۷

متغیر	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
INDIR	۰/۶۹	۰/۸	۱	۰/۲	۰/۱۷۵	-۰/۱۹	۲/۶
MO	۶۴/۶۴	۷۰/۷	۹۹/۰۴	۰	۲۵/۴۵	-۱/۰۳	۳/۲۷
BIG	۰/۲۱	۰	۱	۰	۰/۴۱۲	۱/۳۷	۲/۸۹
DUAL	۰/۰۵	۰	۱	۰	۰/۲۳	۳/۸۵	۱۵/۸
OWNERSHIP	۳۵/۵۱	۲۹/۳	۹۸	۰/۹۶	۲۵/۲۷	۱/۰۴	۳/۲۹
BOARD	۱/۲۱	۱/۳۸	۱/۹۴	۰	۰/۲۹	-۰/۸۸	۴/۹
DOWN	۰/۰۸	۰	۱	۰	۰/۲۸	۲/۹	۹/۵

انحراف معیار از مهمترین پارامترهای پراکندگی است. بیشترین مقدار پراکندگی مربوط به متغیر شکاف دستمزد (GAP) برابر با ۳۰۶/۳ و کمترین آن برای متغیر نقدشوندگی (LIQUID) برابر با ۰/۲۱ است. چولگی عدم تقارن منحنی فراوانی را نشان میدهد. ضریب چولگی صفر نشان دهنده، تقارن کامل جامعه است و اگر ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. متغیر اجتناب مالیاتی (TA) برابر با ۱۳/۲ بیشترین و اهرم مالی (LEV) برابر با ۰/۲ کمترین چولگی دارد. کشیدگی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی مینامند. اگر کشیدگی حدود صفر باشد، منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضعیت متعادل و نرمال خواهد داشت، اگر این مقدار مثبت باشد منحنی برجسته و اگر منفی باشد منحنی پهن می‌باشد. کشیدگی تمامی متغیرهای این مدل مثبت است. متغیر اجتناب مالیاتی (TA) برابر با ۱۹۴/۹ بیشترین برجستگی و متغیر استقلال هیئت مدیره (INDER) برابر با ۲/۶ کمترین برجستگی را نسبت به منحنی نرمال دارد.

۲-۵. آزمون مانایی متغیرهای مدل تحقیق

۱-۲-۵. آزمون همبستگی مقاطع

قبل از برآورد الگوی داده‌های ترکیبی، لازم است آزمون پایایی متغیرها انجام شود. اما قبل از انجام آزمون پایایی داده‌های ترکیبی، باید آزمون وابستگی بین مقاطع به منظور انتخاب آزمون ریشه‌واحد مناسب انجام شود. آزمونهای مختلفی جهت بررسی پایایی متغیرهای داده‌های ترکیبی وجود دارد که انتخاب آزمون مناسب از بین آنها در گام اول نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است (بالتاجی، ۲۰۰۵). به منظور بررسی وابستگی بین مقاطع از آزمون وابستگی بین مقاطع پسران (۲۰۱۵) که نسخه تکمیل شده آزمون پسران (۲۰۰۴) است، استفاده شده است. در صورت تایید وابستگی مقطعی در داده‌های ترکیبی، استفاده از روشهای مرسوم ریشه واحد داده‌های ترکیبی نظیر آزمون لوین، لین و چو^۱ (LIC)، ایم، پسران

¹Levin, Lin & Chu t(LLC)

وشین^۱ (IPS)، احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش خواهد داد. برای رفع این مشکل آزمونهای ریشه واحد داده های ترکیبی متعددی با وجود وابستگی مقطعی پیشنهاد شده است که آزمون ریشه واحد پسران^۲ (CIPS) از آن جمله است. آماره آزمون پسران از توزیع نرمال استاندارد پیروی کرده و توانایی کاربرد در پانل های متوازن و غیر متوازن و مدل های اثرات ثابت و تصادفی را دارد. فرضیه صفر در این آزمون آنست که پسماندها همبسته نیستند و در نتیجه وابستگی مقطعی وجود ندارد. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسماندهای مدل در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۲) نتایج آزمون همبستگی مقاطع مدل تحقیق

مدل	آزمون	آماره	احتمال
۱	-Section Test	۵/۱۶	۰/۰۶۵
۲	-Section Test	۱/۱۴	۰/۲۵
۳	Cross-Section Test	۱/۴۸	۰/۱۳

با توجه به نتایج جدول ۳ و احتمال آزمون پسران که بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه صفر در سطح معنی داری ۰/۹۵ رد نمی شود به عبارت دیگر پسماندها در میان مقاطع همبستگی ندارند و وابستگی مقطعی وجود ندارد. با توجه به عدم وابستگی مقاطع آزمون ریشه واحد با استفاده از روش لوین، لین و چو صورت می گیرد. در آزمون ریشه واحد فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد بوده و در صورتیکه احتمال جدول کوچکتر از ۰/۰۵ باشد به احتمال ۹۵ درصد فرضیه صفر پذیرفته نمی شود. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل به شرح جدول (۳) می باشد:

جدول (۳) نتایج آزمون ریشه واحد (Levin, Lin & Chu) LLC، با عرض از مبدأ و روند

متغیر	آماره آزمون	سطح احتمال آماره	نتیجه آزمون
TA	-۳۳/۳۳	۰/۰۰۰	مانا در سطح
CASHPAY	-۱۹/۵۴	۰/۰۰۰	مانا در سطح
ACCRUEDPAY	-۶۳/۲۳	۰/۰۰۰	مانا در سطح
GAP	-۷۵/۲۵	۰/۰۰۰	مانا در سطح
SIZE	-۱۵/۳۲۱	۰/۰۰۰	مانا در سطح
ROE	-۲/۹۸۵	۰/۰۰۰	مانا در سطح
LEV	-۴۱/۳۵۱	۰/۰۰۰	مانا در سطح
GROWTH	-۳۲/۲۵۶	۰/۰۰۰	مانا در سطح

^۱Im, Pesaran and Shin W-stat(IPS)

^۲Prrrr nn's Cros"-Section Test

										۱	/۱۳	/۰۱	/۲۳	۰/۰۵	GROWTH
										۱	/۱۰	/۱۴	/۰۸	/۰۲	CAPITAL
										۱	/۵۱	/۰۱	/۴۵	۰۰۵	LIQUID
										۱	/۰۶	/۱۹	۰۰۹	/۰۷	AGE
										۱	/۱۲	/۰۳	/۱۷	۰۱۸	INDIR
										۱	/۰۲	/۰۲	/۲۰	/۰۶	MO
										۱	/۰۹	/۱۸	/۰۷	/۱۰	BIG
										۱	/۰۶	/۰۴	/۰۲	۰۰۵	DUAL
										۱	/۰۴	/۰۹	/۰۹	۰۲۶	OWNERSHIP
										۱	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۲	/۰۷	BOARD
										۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۹	۰۰۳	DOWN
										۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۱۹	۰۰۳	DOWN

جدول (۵) نتایج آزمون F لیمر مدل را نشان می دهد. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون F لیمر کمتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده های پانل (Panel) استفاده خواهد شد.

جدول (۵) آزمون اف لیمر (چاو) مدل اول تحقیق

آماره	احتمال آماره	روش پذیرفته شده
۰/۰۰۰	۱۳/۳۳	رویکرد داده های ترکیبی (panel)
۰/۰۰۰	۸/۶	رویکرد داده های ترکیبی (panel)
۰/۰۰۰	۸/۴	رویکرد داده های ترکیبی (panel)

۵-۴. آزمون هاسمن مدل تحقیق

در مرحله بعد به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا عرض از مبدأ بصورت اثرات ثابت است یا اینکه در ساختار واحدهای مقطعی بصورت تصادفی عمل می‌کند. آماره این آزمون که برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی است دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای مستقل بوده است. جدول (۶) نتایج مربوط به آزمون هاسمن مدل‌های را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون هاسمن در مدل‌های فوق کمتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل توجیه می‌شود که الگوی مناسب، الگوی مبتنی بر الگوی اثرات ثابت می‌باشد.

جدول (۶): نتایج آزمون هاسمن مدل تحقیق

مدل	آماره	مقدار	P-Value	نتیجه آزمون
۱-۴	Cross-section Random	۹۷/۸	۰/۰۰۰	اثرات ثابت ((FE
۲-۴	Cross-section Random	۱۲۸	۰/۰۰۰	اثرات ثابت ((FE
۳-۴	Cross-section Random	۱۲۸/۵	۰/۰۰۰	اثرات ثابت ((FE

۵-۵. نتایج برآورد مدل تحقیق

۵-۵-۱. آزمون فرضیه اول تحقیق

جدول (۷) نتایج حاصل از برآورد مدل ۱

متغیر وابسته: دستمزد نقدی (CashPay)				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	sig
عرض از مبدأ	C	۵/۰۳	۸/۵۴	۰/۰۰۰
اجتناب مالیاتی	TA	-۰/۰۲۱	-۳/۹۵	۰/۰۰۰۱
اندازه	SIZE	-۰/۰۴۴	۱/۰۳	۰/۳۰۱
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰/۰۲	۱/۳۶	۰/۱۷۶
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۱۵	-۰/۱۸	۰/۸۵۱
رشد شرکت	GROWTH	۰/۱۱	۳/۵۱۸	۰/۰۰۰۵
مخارج سرمایه ای	CAPITAL	۰/۲۳	۲/۰۵	۰/۰۴۰۹
نقدشوندگی	LIQUID	۰/۰۵۱	۰/۶۲	۰/۵۳۳

متغیر وابسته: دستمزد نقدی (CashPay)				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	sig
سن شرکت	AGE	۲/۵۳	۱۷/۱۹	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	INDIR	-۰/۰۲	-۰/۱۸	۰/۸۴۹
مالکیت مدیریتی	MO	۰/۰۰۳	۱/۷۲	۰/۰۸۵۱
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۰/۰۴۸	۱/۰۸	۰/۲۷۶
دوگانگی نقش مدیرعامل	DUAL	-۰/۱۴	-۳/۶۵	۰/۰۰۰۳
پراکندگی مالکیت	OWNERSHIP	۰/۰۰۶	۳/۱۳	۰/۰۰۱۸
اندازه هیئت مدیره	BOARD	-۰/۰۴۸	-۰/۵۳	۰/۵۹۳۳
تغییر سود	DOWN	۰/۰۸	۲/۴۱	۰/۰۱۶۲
ضریب تعیین	R^2	۰/۷۸	آماره F	۱۸۹/۳
ضریب تعیین تعدیل شده	Adj- R^2	۰/۷۷	معنی داری آماره F	۰/۰۰۰
دوربین - واتسون	DW	۲/۰۷		

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی شرکت بر سطح دستمزد کارکنان تأثیر معنی داری دارد.

با توجه نتایج حاصل از برآورد مدل (۱)، ضریب متغیر اجتناب مالیاتی برابر (۰/۰۲۱-) نشان دهنده رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و دستمزد پرداختی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (اجتناب مالیاتی) کمتر از ۵ درصد است می‌توان گفت که این متغیر معنی دار است. با توجه به اینکه با نرخ موثر مالیاتی با اجتناب مالیاتی رابطه معکوس دارد ضریب منفی این متغیر نشان دهنده رابطه مثبت متغیر اجتناب مالیاتی با سطح دستمزد پرداختی می‌باشد؛ بنابراین اجتناب مالیاتی شرکت بر سطح دستمزد پرداختی کارکنان تأثیر مثبت و معنی داری دارد. در نتیجه فرضیه اول تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد. از بین متغیرهای کنترلی، متغیرهای رشد شرکت (Growth)، سن شرکت (AGE)، مخارج سرمایه ای (Capital)، پراکندگی مالکیت (OWNERSHIP)، تغییر در سود (Down)، رابطه مثبت و معنی دار با دستمزد نقدی کارکنان دارند و متغیر دوگانگی مدیرعامل (DUAL) رابطه منفی و معنی دار با دستمزد نقدی کارکنان دارند. با توجه به آماره دوربین واتسون به دست آمده که برابر با ۲/۰۷ است می‌توان ادعا کرد که مقادیر خطای مدل دارای خود همبستگی نمی‌باشند. ضریب تعیین، محاسبه شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل به چه میزان توانایی توضیح دهندگی رابطه با متغیر وابسته را دارند؛ بنابراین با توجه به R^2 بدست آمده، متغیرهای مستقل قادر هستند که ۷۸ درصد، رابطه با متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین با توجه به آماره F (۱۸۹/۳) و مقدار احتمال آماره F که برابر

(۰/۰۰۰) می‌باشد، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان کرد که مدل تحقیق به خوبی برازش شده و از معنی داری بالایی برخوردار است.

همانطور که قبلاً بیان شد جهت آزمون فرضیه دوم تحقیق مدل ۱ برای دستمزد پرداختی (CashPay) و یک بار برای دستمزد غیر نقدی (ACCRUEDPAY) برآورد می‌گردد.

جدول ۸. نتایج برآورد مدل (۱) برای دستمزد معوق

متغیر وابسته: دستمزد نقدی (ACCRUEDPAY)				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	sig
عرض از مبدا	C	-۳۴۰/۸	-۱۱/۵۲	۰/۰۰۰
اجتناب مالیاتی	TA	-۰/۷۴	-۱/۳۱	۰/۱۸۸
اندازه	SIZE	۵/۱۵	۲/۳۲	۰/۰۲۶
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۱/۳۳	۱/۲۳	۰/۲۱۹
اهرم مالی	LEV	-۷/۵۷	-۱/۵۸	۰/۱۱۳
رشد شرکت	GROWTH	۲/۲۳	۱/۳۴	۰/۱۸۰
مخارج سرمایه ای	CAPITAL	-۱۳/۱۹	-۲/۱۸	۰/۰۲۹
نقدشوندگی	LIQUID	۸/۱۸	۱/۷۶	۰/۰۷۹
سن شرکت	AGE	۱۰۰/۹	۱۲/۱۱	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	INDIR	-۱۸/۸	-۲/۵	۰/۰۱۲۶
مالکیت مدیریتی	MO	۰/۳۰۲	۲/۳	۰/۰۲۱۷
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۲/۱۴	۰/۷۱۵	۰/۴۷۵
دوگانگی نقش مدیرعامل	DUAL	-۶/۵۵	-۳/۳۸	۰/۰۰۰۸
پراکندگی مالکیت	OWNERSHIP	۰/۴۸	۳/۹	۰/۰۰۰۱
اندازه هیئت مدیره	BOARD	۷/۰۹	۱/۵۶	۰/۱۱۷
تغییر سود	DOWN	۲/۰۱	۰/۸۹	۰/۳۶۹
ضریب تعیین	R^2	۰/۸۴	آماره F	۱۷/۳
ضریب تعیین تعدیل شده	Adj- R^2	۰/۷۹	معنی داری آماره F	۰/۰۰۰
دوربین - واتسون	DW	۲/۰۶		

با توجه نتایج حاصل از برآورد مدل (۱)، ضریب متغیر اجتناب مالیاتی برابر (۰/۷۴-) نشان دهنده رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و دستمزد معوق می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (اجتناب مالیاتی) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت اجتناب مالیاتی شرکت بر سطح دستمزد معوق کارکنان تاثیر معنی داری ندارد. از بین متغیرهای کنترلی، متغیرهای سن شرکت (AGE)، مخارج سرمایه ای (Capital)، پراکندگی مالکیت (OWNERSHIP)، مالکیت مدیریتی (MO)، رابطه مثبت و معنی دار با دستمزد نقدی کارکنان دارند و متغیر دوگانگی مدیرعامل (DUAL) و استقلال هیئت مدیره (INDIR) رابطه منفی و معنی دار با دستمزد معوق کارکنان دارند. با توجه به آماره دورین واتسون (۲/۰۶) می‌توان ادعا کرد که مقادیر خطای مدل دارای خود همبستگی نمی‌باشند. ضریب تعیین محاسبه شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل به چه میزان توانایی توضیح دهندگی رابطه با متغیر وابسته را دارند؛ بنابراین با توجه به R^2 بدست آمده در جدول ۰/۸ متغیرهای مستقل قادر هستند ۸۰ درصد رابطه با متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین با توجه به آماره F ۱۷/۳ و مقدار احتمال آماره F که برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان کرد مدل تحقیق به خوبی برازش شده و از معنی داری بالایی برخوردار است.

۲-۲-۵. آزمون فرضیه دوم تحقیق

جدول (۹) نتایج حاصل از برآورد مدل ۲

متغیر وابسته: شکاف دستمزد (GAP)				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	sig
عرض از مبدا	C	-۳۱۳۱/۷	-۱۰/۶	۰/۰۰۰
اجتناب مالیاتی	TA	-۷/۴۳	۱/۳۲	۰/۱۸۴۷
اندازه	SIZE	۱۸/۴۸	۰/۸۵	۰/۳۹۲
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۱۷/۳	۱/۴۴	۰/۱۴۸
اهرم مالی	LEV	-۵۹/۴	-۱/۲۲	۰/۲۲۲
رشد شرکت	GROWTH	۹/۹	۰/۵۴	۰/۵۸۹
مخارج سرمایه ای	CAPITAL	-۸۲/۸	-۱/۳۹	۰/۱۶۳
نقدشوندگی	LIQUID	۹۶/۳	۲/۰۹	۰/۰۳۷
سن شرکت	AGE	۱۰۶۸/۸	۱۲/۷	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	INDIR	-۱۸۹/۶	-۲/۲۴	۰/۰۲۵۲
مالکیت مدیریتی	MO	۳/۵۴	۲/۶۶	۰/۰۰۰۸

متغیر وابسته: شکاف دستمزد (GAP)				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	sig
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۱۰/۲۱	۰/۳	۰/۷۵۸
دوگانگی نقش مدیرعامل	DUAL	-۶۵/۰۷	-۳/۰۴	۰/۰۰۲
پراکندگی مالکیت	OWNERSHIP	۴/۶۸	۳/۷	۰/۰۰۰۲
اندازه هیئت مدیره	BOARD	۵۳/۱۵	۱/۰۵	۰/۲۹۲۱
تغییر سود	DOWN	۱۸/۸۹	۰/۷۸	۰/۴۳۰۹
ضریب تعیین	R^2	۰/۸۴	آماره F	۱۷/۸۴
ضریب تعیین تعدیل شده	Adj- R^2	۰/۷۹	معنی داری آماره F	۰/۰۰۰
دوربین-واتسون	DW	۲/۰۶		

فرضیه دوم: اجتناب مالیاتی شرکت بر شکاف دستمزد بین مدیران اجرایی و کارکنان عادی تاثیر معنی داری دارد. با توجه نتایج حاصل از برآورد مدل (۲)، ضریب متغیر اجتناب مالیاتی برابر (۷/۶) نشان دهنده رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و شکاف دستمزد می باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (اجتناب مالیاتی) بیشتر از ۵ درصد است می توان گفت اجتناب مالیاتی شرکت بر سطح شکاف دستمزد کارکنان تاثیر معنی داری ندارد. در نتیجه فرضیه سوم تحقیق مورد تایید قرار نمی گیرد. از بین متغیرهای کنترلی، متغیرهای نقدشوندگی شرکت (Liquid)، سن شرکت (AGE)، مالکیت مدیریتی (MO)، پراکندگی مالکیت (OWNERSHIP)، رابطه مثبت و معنی دار با شکاف دستمزد دارند و متغیر دوگانگی مدیرعامل (DUAL) و استقلال هیئت مدیره (INDIR) رابطه منفی و معنی دار با شکاف دستمزد دارند. همانگونه که در بخش مربوط به بررسی فروض کلاسیک مطرح شد، با توجه به آماره دوربین واتسون (۲/۰۶) می توان ادعا کرد که مقادیر خطای مدل دارای خود همبستگی نمی باشند. ضریب تعیین محاسبه شده نشان می دهد که متغیرهای مستقل به چه میزان توانایی توضیح دهندگی رابطه با متغیر وابسته را دارند؛ بنابراین با توجه به R^2 بدست آمده برابر با ۰/۸ است و متغیرهای مستقل قادر هستند که ۰/۸ درصد، رابطه با متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین با توجه به آماره F ۱۷/۸ و مقدار احتمال آماره F که برابر (۱۷/۸) می باشد، در نتیجه در سطح اطمینان ۰/۹۵ می توان بیان کرد مدل تحقیق به خوبی برازش شده و از معنی داری بالایی برخوردار است.

۶-۵. آزمون نرمال بودن جملات خطا مدل

نرمال بودن باقیمانده های مدل رگرسیونی یکی از فرض های رگرسیونی است که نشان دهنده اعتبار آزمون های رگرسیونی است. این فرض بیان می کند که توزیع آماری^۱ جمله خطا باید نرمال^۲ باشد. عدم برقراری این فرض می تواند ناشی از وجود

1 statistical distribution

2Normal

داده‌های پرت^۱ باشد. در این تحقیق از آزمون جارک-برای جهت بررسی نرمال بودن توزیع مقادیر خطا استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر مبتنی بر نرمال بودن است که در صورت به دست آمدن احتمال تایید بیشتر از ۵ درصد، فرض صفر با احتمال ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. نتایج آزمون نرمال بودن جملات خطا در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول (۱۰) نتایج آزمون نرمالیت باقیمانده مدل

ردیف	مدل	آماره جارک برا	احتمال
۱	مدل ۱	۲۳/۸	۰/۰۵۸
۲	مدل ۲	۱۴/۲	۰/۰۸۹

۵-۷. آزمون همسانی واریانس جملات خطا مدل

یکی از مفروضات معادله رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطاها می‌باشد که به عنوان فرض همسانی واریانس شناخته می‌شود. در صورتیکه خطاها، واریانس ثابتی داشته باشند، گفته می‌شود که همسانی واریانس وجود دارد. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی^۲ استفاده شده است. در واقع با ساختن واریانس جزء اخلاص و از طریق روش مذکور به صورتی که با تقسیم تمامی متغیرها بر واریانس جزء اخلاص به برآورد دوباره مدل از طریق وزن دادن به متغیرها پرداخته‌ایم. روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی به نوعی تعدیل یافته GLS است و داده‌ها را برش نمی‌زند بلکه آن را تعدیل می‌کند. برای تشخیص ناهمسانی واریانس در مدل از روش‌های مختلفی مانند روش ترسیمی، روش وایت، روش گلد فلد کوانت، روش پارک، روش بارتلت، روش پیک، گلچسر و اسپیرمن می‌توان استفاده کرد (سوری، ۱۳۹۷).

در این تحقیق، پس از برآورد مدل‌های تحقیق و انتخاب الگوی برتر جهت تخمین مدل، از آزمون بارتلت جهت شناسایی ناهمسانی واریانس استفاده شده است. جدول (۱۰) نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی مدل را نشان می‌دهد.

جدول (۱۰) نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی در مدل‌های تحقیق

فرضیه	روش	مقدار	احتمال
	Method	Value	P-value
مدل ۱	Bartlett	۱۷/۴۶	۰/۰۵۱
مدل ۲	Bartlett	۸/۹۶	۰/۰۵۴

با توجه به سطح معنی‌داری بدست آمده در جدول بالا که بیشتر از ۰/۰۵ است میتوان نتیجه گرفت که جملات خطای مدل دارای واریانس همسان می‌باشند.

1 Outliers

2 EGLS

۶. نتیجه گیری

در سالهای اخیر در نتیجه افزایش آگاهی ذینفعان و دولت از تهدیدات مرتبط با اجتناب مالیاتی، مانند از دست دادن درآمد و منافع عمومی برای جامعه اجتناب از مالیات به موضوع مورد علاقه محققان تبدیل شده است. این یک واقعیت است که دولت برای تأمین مالی فعالیت های خود از قبیل تأمین امکانات زیرساختی لازم برای شهروندان، بر درآمدهای حاصل از مالیات متکی است؛ بنابراین، فعالیت هایی که بار مالیاتی مالیات دهندگان را کاهش می دهد، دولت را در به دست آوردن بودجه کافی برای ارائه وظایف خود به شهروندان دچار محدودیت می نماید. معمولاً در ادبیات مالیاتی، اجتناب از مالیات به عنوان اقدامی با هدف کاهش بدهی مالیاتی صریح ذکر می شود (هانلون و هیتمن، ۲۰۱۰). چنین اقدامی ممکن است به طور گسترده شامل سرمایه گذاری در اوراق قرضه، استفاده از تخفیف ها و معافیت های مالیاتی، فعالیت های رانت و سایر موقعیت های مالیاتی نامشخص باشد. وقتی که اجتناب مالیاتی به شدت انجام می شود، می توان آن را به عنوان استفاده از طیف گسترده ای از شیوه های گزارش دهی توصیف کرد که هدف واقعی آن کاهش بدهی مالیاتی بدون هیچ گونه فعالیت تجاری واقعی است. علاوه بر این، چن و همکاران (۲۰۱۰) اجتناب مالیاتی را به عنوان هر ترتیبی برای کاهش بدهی مالیاتی به تصویر می کشند و این ترتیبات زمانی که موشکافی می شوند، زنجیره ای از فعالیت های مشروع، خاکستری یا غیرقانونی را تشکیل می دهند. آنها همچنین معتقدند که ترتیباتی که به عنوان ترتیبات خاکستری گروه بندی می شوند، عملکرد اجتناب از مالیات را بهتر نشان می دهند؛ بنابراین، اجتناب از مالیات هر چند مشروع باشد، زمانی که به طور تهاجمی انجام شود، می تواند غیرقانونی باشد، وقوع مالیات شرکت ها یک موضوع کلیدی در بحث سیاست مالیاتی است. توزیع بار مالیاتی بین نیروی کار و سرمایه پیامدهای مهمی برای پیشرفت سیستم مالیاتی دارد. طبق نظرسنجی ها، اکثر مردم فکر می کنند که صاحبان سرمایه بار مالیات شرکت ها را به دوش می کشند. در مقابل، عده ای استدلال می کنند که مالیات سرمایه گذاری را کاهش می دهد به طوری که بهره وری نیروی کار و دستمزد کاهش می یابد، به این معنی که کارگران بار مالیاتی را تحمل می کنند. اکثر اقتصاددانان یک راه میانه را انتخاب می کنند و فکر می کنند که بار مالیاتی بین نیروی کار و سرمایه تقسیم می شود. با این حال، حتی در میان محققان در این زمینه، اختلاف نظر اساسی در مورد اینکه چه مقدار از بار به کارگران منتقل می شود وجود دارد. دلیل اصلی این است که شواهد تجربی معتبر در مورد تأثیر مالیات شرکت ها بر دستمزد محدود است (فیوست و همکاران، ۲۰۱۸).

یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که اجتناب مالیاتی بر دستمزد نقدی کارکنان تأثیر مثبت و معنی داری دارد. به این معنی که در شرکتهایی که اقدامات اجتناب از مالیات را انجام می دهند دستمزد پرداختی کارکنان شرکت افزایش می یابد. این یافته ها نشان می دهد که وجوه نقدی که از اجتناب مالیاتی شرکتهای بدست می آید بطور کلی سطح دستمزد پرداختی به کارکنان را بهبود می بخشد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق وانگ و همکاران (۲۰۲۱) و فیوست و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. در مورد تأثیر اجتناب مالیاتی بر دستمزد معوق کارکنان یافته های تحقیق نشان می دهد که اجتناب مالیاتی بر دستمزد معوق کارکنان تأثیر معنی داری ندارد. به این معنی که در شرکتهایی که اقدامات اجتناب از مالیات را انجام می -

دهند و جوه صرفه جویی شده صرف پرداخت بدهی های ناشی از حقوق و دستمزد پراخت نشده به کارکنان نمی شود و فقط سطح دستمزد جاری را افزایش می دهد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق وانگ و همکاران (۲۰۲۱) و فیوست و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی ندارد. یافته های مربوطه به تاثیر اجتناب مالیاتی بر شکاف دستمزد نشان داد که اجتناب مالیاتی بر شکاف دستمزد بین مدیران اجرایی و کارمندان عادی تاثیر معنی داری ندارد. ممکن است وجوه نقد اضافی که با استفاده از اجتناب مالیاتی کسب می شود به یک میزان سطح حقوق مدیران اجرایی و کارکنان عادی را افزایش ندهد و مدیران اجرایی با اقدامات فرصت طلبانه وجوه را صرف افزایش حقوق و پاداش دریافتی خویش نمایند؛ اما طبق یافته های تحقیق در شرکتها با اجتناب از مالیات شکاف دستمزد بین مدیران اجرایی و کارکنان عادی افزایش نیافته است این نتایج نشان می دهد که در شرکت های نمونه تحقیق مدیران شرکت وجوه نقد را صرف منافع شخصی خویش نمی نمایند و ممکن است این وجوه صرف منافع کلی شرکت نظیر سرمایه گذاری در بخش های مختلف شود. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق وانگ و همکاران (۲۰۲۱) و فیوست و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی ندارد.

۷. پیشنهادات تحقیق

۷-۱. پیشنهاد های کاربردی

۱. نتایج تحقیق نشان داد که در شرکتها با اجتناب مالیاتی سطح دستمزد کارکنان شرکت افزایش می یابد؛ بنابراین به شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می شود که از با استفاده اقدامات قانونی و معافیت های مالیاتی و طرح های تشویقی موجود سطح مالیات پرداختی شرکتها را کاهش دهند و وجوه صرفه جویی شده را صرف پرداخت به دستمزد و رفاه کارکنان نمایند.
۲. به دولت و اداره امور مالیاتی پیشنهاد می شود که با افزایش و تصویب قوانین مربوط به طرح های معافیت مالیاتی و رفع موانع موجود در زمینه اجرای این معافیتها به شرکتها کمک نمایند تا با کاهش سطح پرداخت مالیات رفاه و امنیت را برای کارکنان خویش و در پی آن برای کل جامعه فراهم نمایند.

۷-۲. پیشنهاد برای تحقیقات آتی

پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی از چندین معیار محاسبه اجتناب مالیاتی نظیر نرخ موثر مالیات نقدی و حسابداری و تفاوت دفتری استفاده شود و نتایج بطور مقایسه ای ارائه گردد.

۸. منابع و مآخذ

- آقای، محمدعلی، حسنی، حسن، باقری، حسن. (۱۳۹۷). نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۱۵(۵۷)-صص ۲۴-۴۷.
- بخردی نسب وحید. (۱۳۹۹). تاثیر اجتناب مالیاتی بر سرمایه گذاری کار با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر توانایی مدیریت و راهبری شرکتی: رویکردی نوین در سنجش اجتناب مالیاتی در سطح اقتصاد. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی). ۱۳۹۹؛ ۲۰ (۹ و ۱۰): ۱۳۶-۹۵

جلیلی بال، نسرین، کرمی، محسن. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر سیستم حقوق و دستمزد بر تعهد کارکنان سازمان. کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد.

دهقان منشادی، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مالیات و رشد اقتصادی و سرمایه گذاری خارجی، سومین کنفرانس بین

المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار، کرج، <https://civilica.com/doc/787216>

متین فرد، مهران، چهارمحالی، علی اکبر. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر عدم اطمینان اقتصادی بر اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۹(۳۶). صص ۲۸۵-۲۹۶.

Blaylock, B. S. (2016). Is tax avoidance associated with economically significant rent extraction among US firms? *Contemporary Accounting Research*, 33(3), 1013–1043.

Blouin, J. (2014). Defining and measuring tax planning aggressiveness. *National Tax Journal*, 67(4), 875–899.

Cheng, H and C. Q. Qu, (2010). "Tax Avoidance and Earnings Persistence," *Journal of Taxation*, vol. 1, pp. 59, 2010.

Chyz, J. A., & Gaertner, F. B. (2018). "CEO Turnover and Tax Avoidance: Evidence from Forced CEO Turnover?" *The Accounting Review*, 93(1), 103–130.

Darmawan, K. (2020). SALARY: DOES AFFECT EMPLOYEE MOTIVATION AND PERFORMANCE?. *International Journal of Accounting and Management Research*, 1(2), 46-51.

<https://doi.org/10.30741/ijamr.v1i2.642>

Dyrenge, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61-82.

Dyrenge, S.D., Hoopes, J.L. and Wilde, J.H. (2016) Public pressure and corporate tax behavior. *Journal of Accounting Research* 54(1): 147–186.

Fuest, C., Peichl, A., & Siegloch, S. (2018). Do higher corporate taxes reduce wages? Micro evidence from Germany. *American Economic Review*, 108(2), 393–418.

Goh, B.W., Lee, J., Lim, C.Y. and Shevlin, T. (2016) The effect of corporate tax avoidance on the cost of equity. *The Accounting Review* 91(6): 1647–1670.

Graham, J. R., Hanlon, M., Shevlin, T., & Shroff, N. (2014). Incentives for tax planning and avoidance: Evidence from the field. *The Accounting Review*, 89(3), 991–1023.

Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 127-178.

Lee, J., Lim, C. Y., & Lobo, G. J. (2016). Relation between Auditor Quality and Corporate Tax Aggressiveness: Implications of Cross-Country Institutional Differences, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 35(4), 105-135.

Rezaee Z. (2016). The effect of tax reporting transparency on financial reporting transparency. *Iranian Journal of Business and Economics*, 3(1), 123.

Wang, M., & Xu, J. (2016). Corporate tax avoidance, expected inflation, and operating performance. *Accounting Research*, 5, 40–47.

Wang, J., Han, X., Cheng, H. (2021). The effect of corporate tax avoidance on salary distribution: Empirical evidence from publicly listed companies in China. *International Review of Financial Analysis* 78 (2021) 101917. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2021.101917>.

The effect of firm tax avoidance on salary distribution

Elham Mansourinia^{*1}
Afsaneh Shirkhani²

Date of Receipt: 2022/06/11 Date of Issue: 2022/07/12

Abstract

Tax avoidance can vary from reducing the tax burden on companies by legally using tax laws to violating tax laws. Reducing corporate taxes through tax avoidance creates excess cash for the company that can affect the salaries and welfare of the company's employees. The purpose of this study is to investigate the effect of tax avoidance on the distribution of employees' wages. This research is applied in terms of purpose and in terms of nature and causal method. The statistical population of the study was all companies listed on the stock exchange in the period of 5 years from 1395 to 1399 that a total of 96 companies were studied through systematic elimination sampling. Research findings show that tax avoidance has a positive and significant effect on the overall level of wages. But it does not have a significant effect on deferred wages and the salary gap of executives and ordinary employees. Therefore, the funds resulting from the company's tax evasion increase the total wages of employees, and executives do not spend these funds for personal gain and increase their earnings.

Keyword

Tax avoidance, wage distribution, wage gap

1. Department of Management, Faculty of Management and Accounting, Farvardin Institute of Higher Education, Ghaemshar, Iran (*Corresponding Author: Elham.mansourinia@gmail.com)
2. Faculty of Accounting, Farvardin Institute of Higher Education, Ghaemshar, Iran.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی